

گفت‌وگو «وطن امروز» با جواد قارایی و آرش جعفریان، مستندسازان موفق طبیعت که کارهایشان با استقبال مخاطبان مواجه شده‌است

دل‌بسته طبیعت ایران

گرفتند. جواد قارایی، تهیه‌کننده و راوی «ایرانگرد» بخوبی ذائقه مخاطب را می‌شناسد و جنس روایت‌هایش عامه‌پسند و بانشاط است. او در کنار نمایش تصویری ناب از طبیعت ایران، اقوام را هم بخوبی و بدرستی معرفی می‌کند و ما را با وجوه کمتر شناخته‌شده‌ای از مردم ایران آشنا می‌کند. آرش جعفریان نیز جوان مستندسازی است که روایت‌هایش در «همسایه آسمان» آرام و دلنشین است.

شاید تا پیش از اوج گرفتن دوباره ایرانگرد، برای چند سال مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته بود. تا پیش از تاسیس شبکه مستند امکان بخش برنامه‌های اینجینیتی در شبکه‌های دیگر کمتر وجود داشت و بعد از آن هم تا پیش از دوره جدید، یعنی مدیریت سلیم غفوری بر این شبکه، کمتر از فرصت‌هایی که این شبکه به‌وجود آورده استفاده می‌شد. طی ۲-۳ سال اخیر اما این شبکه رشد قابل توجهی داشته است.

عباس اسماعیل گل: قرار گرفتن برنامه‌های مستند حیات‌وحش در میان ۱۰ برنامه پرمخاطب تلویزیون و رشد شبکه مستند از جهت تعداد مخاطب که بیشتر متاثر از بخش مستندهای طبیعت و حیات‌وحش است، اهمیت و جایگاه برنامه‌های اینجینیتی در نظر مخاطبان را یادآوری می‌کند. اقبال به برنامه‌هایی از این جنس تا حدی است که مستند «ایرانگرد» در چندمین بازپخش باز هم پرمخاطب می‌شود و روایت‌های «البرزیست» مورد توجه قرار می‌گیرد. جنس مستندهای حیات وحش و طبیعت به دلیل علاقه‌ای که در میان آدم‌ها به طبیعت وجود دارد، برای مخاطبان جنبه‌ای درونی و همدات‌پندارانه پیدا می‌کند. فارغ از این اما طبیعت ناشناخته ایران هم سوژه بکر و کار نشده‌ای است. توجه به مستندهایی از طبیعت ایران



جواد قارایی، کارگردان و تهیه‌کننده مستند ایرانگرد:

آرش جعفریان، سرپرست گروه مستندساز «البرزیست»:

در ایام نوروز مردم را سفر بردیم

سفر و طبیعت‌گردی است. اگر بخوایم کمی نگاه آسیب‌شناسانه به مستندهای طبیعت‌گردی داشته باشیم، برخی اعتقاد دارند اینگونه مستندها خیلی پیش از حد مجری‌محور شده است که این موضوع به مستند لطمه وارد می‌کند. نظر شما در این باره چیست؟ متأسفانه انگار ذائقه برخی مدیران تلویزیون به سلیقه‌های برنامه‌سازان و مستندسازان غلبه کرده است به طوری که شاهدیم در اغلب مستندهای طبیعت‌گردی و مستندهایی با محوریت سفر، بیشتر از آنکه شاهد اتفاقی‌های سفر باشیم، کلوزآپ مجری برنامه جلوی چشمان‌مان است که با صحبت کردن بی‌وقفه برخی مواقع مخاطب را آزار می‌دهد و حتی مجری خیلی بیشتری از جاذبه‌های طبیعت دیده می‌شود و این مجری‌محوری در مستندها تبدیل به پاشنه آشیل شده است که ما در مستندهای سفر گونه خارجی، برنامه‌سازان بیشتر فرهنگ از این موضوع فاصله بگیریم.

گروه مستندساز «البرزیست» چند سالی است با تولید مستندهای مختلف در شبکه‌های گوناگون نامی آشنا برای علاقه‌مندان مستندهای طبیعت‌گردی با محوریت سفر محسوب می‌شود. «وطن امروز» در گفت‌وگو با آرش جعفریان، سرپرست این گروه مستندساز ضمن بررسی بیشتر فعالیت‌های این گروه به چالش‌های مستندسازی طبیعت‌گردی در کشور پرداخت.

■ آقای جعفریان! با ابتدا درباره فعالیت‌های گروه «البرزیست» توضیح دهید. گروه «البرزیست» تاکنون ۵۰ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای با محوریت میراث طبیعی و با عناوینی چون «نروازه خورشید»، «سیستان و بلوچستان»، «پرچم بالاست»، «کوبر مرکزی و کوهستان البرز شمالی»، «دو برار»، «کوهنوردی در البرز شرقی»، «خزرتا خلیج فارس» و... در شبکه‌های مختلف سیما روی آنتن برده است و همچنین مستند «همسایه آسمان» نیز به عنوان جدیدترین ساخته گروه البرزیست بعد از ماه مبارک رمضان مجدداً پخش خواهد شد.

■ در مجموع از بازخورد مخاطبان نسبت به مجموعه تولیدات گروه البرزیست راضی هستید؟ بله! استقبال مخاطبان از این مستندها برای‌مان رضایتبخش بوده است که این مسأله کار ما را در ادامه راه تولید بسیار سخت‌تر می‌کند حتی شاهد بودیم برخی سکاس‌های مستند بارها در شبکه‌های اجتماعی بازپخش شده است. در مجموع باید گفت، استقبال از برخی مستندها، مدیران شبکه مستند را مجبور به بازپخش آن می‌کند، به عنوان مثال، مستند «همسایه آسمان» که در ۱۶ فوروز از شبکه مستند پخش شد، به علت همزمانی پخش با سریال «پایتخت ۲» حدودی ما را با چالش تعداد مخاطب مواجه کرده بود اما طبق اطلاعات واصله از بررسی‌های مختلف با همین شرایط هم، مخاطبان قابل توجهی را مستند را دنبال کردند و به خاطر همین استقبال قرار بر تکرار آن پس از ماه مبارک رمضان شد.

■ محور اصلی اغلب مستندهای شما بر «سفر و مسافرت» استوار است، برای تأکید بر این مسأله دلیل خاصی وجود دارد؟ ببینید تجربه ثابت کرده است اقبال مخاطب مختلف مردم با هر سلیقه و روحیه‌ای که دارند عاشق سفر و چالش‌های آن هستند زیرا مسافرت برای همه مردم موضوعی شیرین است و ما هم «سفر» را محوریت اصلی مستندهای‌مان قرار می‌دهیم اما با رویکردی متفاوت.

■ بیشتر توضیح می‌دهید؟ در اغلب مستندهای مختلف، مخاطب خیلی درگیر جاذبه‌ها و چالش‌های سفر نمی‌شود و این مستندها بدون مقدمه خاصی مخاطب را به منطقه مورد نظر می‌رساند اما در گروه «البرزیست» در مستندهای‌مان سفرهای طولانی مدتی را داشتیم که برخی از این سفرها به ۶۰ روز هم می‌رسید که مخاطبان با بیشتر لحظات سخت و شیرین این سفر با گروه مستندساز همراه می‌شدند و به نظرم این همدان‌پنداری مخاطب با عوامل تولید به جذابیت بیشتر مستندها کمک شایانی کرده است.

■ از این سفرهای ماجراجویانه چه تجربیات جدیدی کسب کردید؟ در این مستندها خیلی از پرسش‌های ما به عنوان مستندساز طبیعت و ایرانگردی پاسخ داده شد و نکات جدید زیادی در تعامل با مخاطب یاد گرفتیم که به کارگیری این نکات می‌تواند به ارتقای سطح کیفی مستندهای‌مان کمک فراوانی کند.

■ شما در مستندهای‌تان خیلی به گونه‌های حیوانات مناطق مختلف نمی‌پردازید، به نظر شما پرداختن به این مسأله به جذابیت‌های کار اضافه نمی‌کند؟ اینکه در یک مستند به طور مستقیم و خاص به گونه‌های مختلف جانوری پرداخته شود مختص برنامه‌های شیب «راز بقا» است که البته اینگونه مستندها هم طرفدارهای پروپاقرص خود را دارد اما ما در مستندهای خود به دنبال این موضوع نبودیم، مگر آنکه به گونه خاصی از یک حیوان در قسمتی از مستند اشاره شود که این موضوع هم با نگاه تعامل انسان‌ها با آن حیوان پرداخته می‌شد زیرا در مستندهای گروه البرزیست حلقه اصلی چالش‌ها و جاذبه‌ها



بعد از کرونا بیشتر مراقب طبیعت باشیم

■ البته در این میان نباید نقش مسؤولان سیاست‌گذار و تصمیم‌گیرنده درباره حفظ منابع طبیعی و فرهنگ‌های اصیل را نادیده بگیریم؛ با توجه به تجربیاتی که طی سال‌ها ایرانگردی در قالب مستندهای مختلف داشته‌اید، مهم‌ترین مشکل در این باره چیست؟ متأسفانه خیلی مواقع می‌بینیم مسؤولانی برای این حوزه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند که شناختی دقیق و علمی از ماجرا ندارند و در نتیجه مسؤولی که با حوزه کاری‌اش کمترین آشنایی را داشته باشد، هر چقدر هم دلسوز باشد، نمی‌تواند کارایی مورد نظر را داشته باشد و نتیجه‌اش می‌شود همین وضعیت فعلی که درباره اوضاع اسفناک منابع طبیعی و نابودی فرهنگ‌های اصیل شاهد آن هستیم، البته این صحبت‌ها نباید موجب شود مردم خودشان را مسؤول ندانند، زیرا همه ما برای تضمین سلامتی فرزندان‌مان موظفیم به سهم خودمان از این گنجینه‌های ناب حفاظت کنیم.

■ جناب قارایی! طی چند وقت اخیر بارها شاهد بوده‌ایم بازپخش مجموعه مستند ایرانگرد با استقبال بالای مخاطبان مواجه شده است؛ به نظر‌تان این مجموعه چه ویژگی‌هایی دارد که اینجنین مورد اقبال مخاطب عام قرار می‌گیرد؟ اول اینکه بدون شعارزدگی می‌خواهم بگویم همین که این مستند مورد اقبال مخاطبان قرار گرفته است و طی این سال‌ها توانستیم علاوه بر کسب رضایت مخاطبان حرفه‌ای حوزه مستند، بخش عمده‌ای از مخاطبان عام را جذب یک اثر مستند کنیم، برای بنده و خانواده بزرگ مستند ایران افتخار بزرگی است اما اینکه چه مسائلی موجب دیده شدن و مورد پسند قرار گرفتن «ایرانگرد» از سوی مردم شده، جدا از لطف خداوند، به عوامل مختلفی وابسته است که ساختار شکنی هدفمند در تولید اینگونه مستندها مهم‌ترین علت این اتفاق مهم به حساب می‌آید. بنده و همکارانم در «ایرانگرد» تمام تلاش‌مان را کردیم که فضایی صمیمی و واقعی از طبیعت بکر کشورمان برای مردم روایت کنیم و از سوی دیگر از به کار بردن الفاظ شعراگونه و مبالغه‌آمیز در روایت منطبق خودداری کردیم تا مخاطب هم‌زاد پنداری عمیقی با برنامه داشته باشد.

■ شما تاکنون ۳ فصل از مستند ایرانگرد را جلوی دوربین برده‌اید؛ در این مدت چه راهکارهایی را اندیشیدید که این فصل‌ها به تکرار نیفتد و موجب دلزدگی مخاطب نشود؟ پس از پخش هر فصل مجموعه «ایرانگرد» ما هم همراه مخاطبان قسمت‌های مختلف مستند را تماشا و سعی می‌کنیم با یک ارزیابی دقیق، نقص‌ها و اشکالات مختلف را شناسایی و تا حد امکان در فصل‌های بعدی این موارد را رفع کنیم و از سویی پس از فصل نخست که مورد اقبال مخاطبان قرار گرفت، تصمیم گرفتیم در اقدامی ریسک‌پذیر فصل‌های بعدی را با ریتم تندتر تدوین کنیم.

■ همچنین تیم تحقیق و پژوهش «ایرانگرد» در انتخاب مناطق مختلف و سواست بسیاری به خرج می‌دهد تا به لحاظ علمی و محیط زیستی هر فصل «ایرانگرد» از جاذبه خاصی برای مخاطب برخوردار باشد. ■ اغلب مخاطبان معتقدند یکی از نکاتی که «ایرانگرد» را از سایر مستندهای مشابه در حوزه طبیعت‌گردی متمایز می‌کند، توجه هوشمندانه شما به فرهنگ بومی مردم آن منطقه و شناسایی پیوسته‌های فرهنگ‌ها با شرایط زندگی در آن مناطق است که این موضوع یک مقدار برای مستند طبیعت‌گردی ریسک محسوب می‌شود و شاید موجب پس زدن مخاطبان شود؛ در این باره توضیح می‌دهید؟ ابتدا باید به این موضوع اشاره کنم که پرداختن به پیوسته‌های فرهنگی مردمان مناطق مختلف در مستند «ایرانگرد» از یک انگیزه و دغدغه مهم سرچشمه می‌گیرد، زیرا معتقدم ما ادامه روند فعلی بزودی شاهد نابودی فرهنگ‌های اصیل اقوام مختلف کشورمان خواهیم بود و همان‌طور که شاهد نابودی منابع طبیعی چون جنگل در کشورمان هستیم، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های اصیل هم متاثر از سبک زندگی فعلی، مسیری جز نابودی در برابرشان نیست.

■ این اندازه از ناامیدی در وجود خالق مستند موفق «ایرانگرد» کمی عجیب به نظر می‌آید! به نظرم این حد از ناامیدی کاملاً واقع‌بینانه به نظر می‌رسد. شما کافی است نگاهی به حجم زمین‌خواری‌ها، ترویج سبک زندگی کاملاً صنعتی در میان روستایی‌ها و... ببینداید و در کنار این موارد تصمیمات غیرمسئولانه و نابخسته برخی مسؤولان درباره نگهداری منابع طبیعی و حفظ فرهنگ‌های اصیل اقوام را که مشاهده می‌کنید، همانند من امید چندانی به ماندگاری منابع طبیعی و فرهنگ‌های اقوام ایرانی نخواهید داشت و در نهایت تمام تلاش خود را خواهید کرد روند تخریب منابع طبیعی و فرهنگ اصیل را با کندی مواجه کنید.

■ این اندازه از ناامیدی در وجود خالق مستند موفق «ایرانگرد» کمی عجیب به نظر می‌آید! به نظرم این حد از ناامیدی کاملاً واقع‌بینانه به نظر می‌رسد. شما کافی است نگاهی به حجم زمین‌خواری‌ها، ترویج سبک زندگی کاملاً صنعتی در میان روستایی‌ها و... ببینداید و در کنار این موارد تصمیمات غیرمسئولانه و نابخسته برخی مسؤولان درباره نگهداری منابع طبیعی و حفظ فرهنگ‌های اصیل اقوام را که مشاهده می‌کنید، همانند من امید چندانی به ماندگاری منابع طبیعی و فرهنگ‌های اقوام ایرانی نخواهید داشت و در نهایت تمام تلاش خود را خواهید کرد روند تخریب منابع طبیعی و فرهنگ اصیل را با کندی مواجه کنید.

■ این اندازه از ناامیدی در وجود خالق مستند موفق «ایرانگرد» کمی عجیب به نظر می‌آید! به نظرم این حد از ناامیدی کاملاً واقع‌بینانه به نظر می‌رسد. شما کافی است نگاهی به حجم زمین‌خواری‌ها، ترویج سبک زندگی کاملاً صنعتی در میان روستایی‌ها و... ببینداید و در کنار این موارد تصمیمات غیرمسئولانه و نابخسته برخی مسؤولان درباره نگهداری منابع طبیعی و حفظ فرهنگ‌های اصیل اقوام را که مشاهده می‌کنید، همانند من امید چندانی به ماندگاری منابع طبیعی و فرهنگ‌های اقوام ایرانی نخواهید داشت و در نهایت تمام تلاش خود را خواهید کرد روند تخریب منابع طبیعی و فرهنگ اصیل را با کندی مواجه کنید.

■ این اندازه از ناامیدی در وجود خالق مستند موفق «ایرانگرد» کمی عجیب به نظر می‌آید! به نظرم این حد از ناامیدی کاملاً واقع‌بینانه به نظر می‌رسد. شما کافی است نگاهی به حجم زمین‌خواری‌ها، ترویج سبک زندگی کاملاً صنعتی در میان روستایی‌ها و... ببینداید و در کنار این موارد تصمیمات غیرمسئولانه و نابخسته برخی مسؤولان درباره نگهداری منابع طبیعی و حفظ فرهنگ‌های اصیل اقوام را که مشاهده می‌کنید، همانند من امید چندانی به ماندگاری منابع طبیعی و فرهنگ‌های اقوام ایرانی نخواهید داشت و در نهایت تمام تلاش خود را خواهید کرد روند تخریب منابع طبیعی و فرهنگ اصیل را با کندی مواجه کنید.

